

## مبارزه برای افزایش دستمزد به بالای خط فقر

را با خود دارد. این "شورا" در طول تمام این سال‌ها جز عمل به خواست‌های طبقه سرمایه‌دار ایران از جمله در رابطه با پایین نگاه داشتن دستمزد کارگران هدف و وظیفه‌ی دیگری نداشته است. نتیجه و حاصل عملکرد شورای عالی کار چیز پنهانی نیست و کارگران ایران آن را به‌خوبی در کوچک‌تر شدن مداوم سفره خود با تمام وجود، با پوست و گوشت و استخوان خود حس می‌کنند.

به اصطلاح نمایندگان کارگری حاضر در این در صفحه ۴

جلسات شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد کارگران پس از بارها تعویق به بهانه‌ی ویروس کرونا قرار است روز دوشنبه ۲۶ اسفند برگزار شود. فارغ از آن که این‌بار جلسه تشکیل بشود یا نه، و یا این‌که در این چند روز مانده به پایان سال به نتیجه برسند یا نه، مشخص است که خواست کارگران در رابطه با میزان حداقل دستمزد در این جلسات در نظر گرفته نمی‌شود. این موضوعی است که بر همگان روشن است. شورای عالی کار تنها اسمی از سه جانبه (نمایندگان کارگری، کارفرمای و دولت) بودن

## راه کار کارگران در مبارزه علیه کرونا



در صفحه ۵

بحران ویروس کرونا روز به روز گسترده تر شده و شمار مبتلایان به بیماری کرونا و همچنین شمار فوت شدگان پیوسته در حال افزایش است. در آمارهای رسمی عنوان شده تنها در ظرف ۲۴ ساعت، هزار نفر بر تعداد مبتلایان افزوده می‌شود. مطابق این آمارها شمار بیماران کرونایی از دوازده هزار و شمار فوت شدگان از ۷۰۰ نفر گذشته است. آمار واقعی اما بسیار بیشتر از این‌ها و تعداد کسانی که در اثر این بیماری فوت کرده اند حدود سه هزار نفر تخمین زده می‌شود. با این وجود دولت جمهوری

## زنان کارگر، زنانی که اینروزها تنهاتر از همیشه اند

خامنه‌ای، روحانی و دیگر دزدان و چپاولگران و آدمکشان جمهوری اسلامی نیز اینروزها از بیم ابتلا به ویروس کرونا، در اتاق‌های پر زرق و برق شان خلوت گزیده اند. بی کفایتی و نالایقی مسئولان حکومتی در مقابله با ویروس کرونا، بیش از هر زمان دیگری برای عموم توده‌های مردم ایران آشکار شده است. از شعارهای دروغین و مسخره وار خامنه‌ای و روحانی که در روزهای آغازین شیوع ویروس کرونا در ایران با لودگی از سیمای جمهوری اسلامی پخش

در صفحه ۱۰

بحران کرونا در ایران بیداد می‌کند. آمار مبتلایان و کشته شدگان این بیماری، در روندی پر شتاب رو به افزایش است. اخبار فاجعه بار، و مرگ روز افزون مبتلایان ویروس کرونا جامعه را در بحرانی فراگیر فرو برده است. ترس و نگرانی از وضعیت اسفبار موجود و شیوع هرچه بیشتر آن، تمام کشور را فرا گرفته است. شهرها یکی پس از دیگری به طرز حیرت آوری به ویروس کرونا آلوده می‌شوند. هیچ گروه و قشری از توده‌های مردم ایران از حملات بی محابای ویروس کووید ۱۹ در امان نیست. حتا

## اطلاعیه برگزاری نشست نمایندگان شش نیروی چپ و کمونیست

در صفحه ۳

## سالی که جمهوری اسلامی فجایع بیشمار آفرید

سال ۹۸ با تمام عواقب فاجعه‌بار آن برای مردم ایران به پایان می‌رسد. در سال ۹۸ توده‌های مردم ایران با اتفاقات و حوادث فاجعه‌بار طبیعی و اجتماعی متعددی رو به رو بودند. در همان نخستین روزهای این سال، مناطق وسیعی از ایران با سیلی ویرانگر مواجه شد. مردم ۱۴ استان کشور دچار خسارات جانی و مالی سنگینی شدند. ده‌ها تن از مردم ایران در جریان این سیل، جان خود را از دست دادند. ۷۶ نفر کشته و صدها تن مصدوم شدند. هزاران خانه در روستاها و حتی شهرهای چندین منطقه ویران شد. تا ۱۸ فروردین، ۱۵۱ هزار خانه آسیب دید که از این تعداد ۵۴ هزار خانه به کلی تخریب شدند. ۶۸۰ هزار تن از مردم آواره و بی‌کار شدند. روستاها، مزارع و باغ‌ها زیر آب رفتند. در مناطق روستائی، دهقانان آنچه را که داشتند از دست دادند.

سالی که گذشت مردم ایران در برخی مناطق و شهرها با زلزله‌های مکرر مواجه بودند. از این بابت نیز خسارات بزرگ مالی و جانی به مردم ایران وارد آمد.

سالی که گذشت مردم استان‌های شمالی ایران چندین روز در محاصره برف قرار گرفتند و چند تن جان خود را از دست دادند.

سالی که گذشت صدها تن از مردم ایران، مرد و زن و کودک در آبان‌ماه توسط رژیم آدم‌کش حاکم بر ایران در خیابان‌ها کشته شدند.

سالی که گذشت هزاران تن از کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، معلمان، زنان در اسارت‌گاه‌های قرون وسطائی رژیم به بند کشیده شدند و صدها تن با اتهامات سیاسی و غیر سیاسی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

سالی که گذشت، صدها تن از مردم بی‌دفاع هواپیمای مسافری با موشک سپاه پاسداران به قتل رسیدند.

در سال ۹۸ مردم ایران با یکی از مرگبارترین بیماری‌های یک صد سال اخیر مواجه شدند. از بهمن ماه که ویروس کرونا در ایران گسترش یافت، تا کنون هزاران تن از مردم ایران جان خود را از دست داده و در حالی که آخرین روزهای این سال سپری می‌شود، چشم انداز فوری برای پایان این بیماری مرگبار وجود ندارد، بلکه با گذشت هر روز دامنه شیوع بیماری گسترده‌تر و بر تعداد مردمی که جان خود را از دست می‌دهند، افزوده می‌شود.

سال ۹۸ سالی فاجعه‌بار و وحشتناک بود. چرا؟ آیا این همه فاجعه به اصطلاح "طبیعی" که مردم

در صفحه ۲

## سالی که جمهوری اسلامی فجایع بیشمار آفرید

ایران گرفتار آن شدند، جبر و تقدیر بود؟ ابداً. فقط آدم‌های ساده لوح، خرافاتی از همه‌جا بی‌خبر ممکن است چنین باوری داشته باشند. برعکس همه این فاجعه‌ها قابل پیش‌گیری بود. می‌توانست رخ ندهد.

پس چرا رخ داد و مسئول آن کیست؟ این نظم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران است که فاجعه به بار آورده است. احقانه است که کسی تصور کند پی آمد بارش باران و برف باید سیل و ویرانی گسترده در سراسر کشور، مرگ مردم و نابودی خانه و کاشانه صدها هزارتن باشد.

بسته به شرایط جوی که آن هم قابل پیش‌بینی است، می‌تواند بارش برف و باران کم یا زیاد باشد. اما اگر در کشوری اندکی حساب و کتاب در کار باشد، می‌شود پیشاپیش برای هر شرایطی آماده بود، حادثه طبیعی را تحت کنترل گرفت و به جای این که برف و باران زندگی مردم را نابود کنند در خدمت رفاه آنها قرار گیرند.

اما در طول متجاوز از ۴۰ سالی که جمهوری اسلامی بر ایران حاکم است، نعمتها کمترین گامی در این جهت برداشته نشد، بلکه برعکس، آنچه انجام گرفت در جهت تخریب و ویرانی بود. تمام سیاست‌های طبقه حاکم به روند تخریب و فاجعه، یاری رساند. آنچه که طبقه سرمایه‌دار حاکم بر ایران همواره در پی آن بوده و هست، کسب بیشترین سود، دزدی و چپاول بوده است. آنها حتی برای کسب این سود، مناطق جنگلی و مسیله‌ها را نیز تخریب کردند و به جای آن ویلا سازی کردند تا سودهای هنگفت عاید خود سازند. نیروهای نظامی رژیم استبدادی در هر گوشه ایران هر آنچه را که خواستند بی‌توجه به عواقب پیش‌شان برای طبیعت، انجام دادند. در جمهوری اسلامی نه تنها امکاناتی برای مقابله با سیل، تدارک دیده نشد، بلکه حتی رودخانه‌ها را نیز لایروبی نکردند. روشن است که سیاست‌های جمهوری اسلامی فاجعه آفرید و نه باران. زمستان فرا رسید و برف آمد. اما در کشوری که طبقه حاکم آن هرگز در فکر مردم و امکانات برای آن‌ها نبوده است، این نیز به فاجعه‌ای دیگر انجامید. کافی بود در استان‌های شمالی که ظاهراً از مناطق پیشرفته ایران هستند، دو روز برف بیارد، اما مردم این منطقه در محاصره برف به کلی فلج شوند. در سرمای کشنده زمستان از آب و برق و گاز محروم گردند و ارتباطشان با همه جا قطع شود. برق قطع است. چرا؟ چون تاسیسات فرسوده‌اند و چهل سال از عمر آن‌ها می‌گذرد. دو روز برف می‌بارد، ده‌ها هزارتن از مردم آب و برق ندارند. مردم در جاده‌ها و روستاها و حتی در شهرها در محاصره برف گرفتار شده‌اند و عده‌ای جان می‌دهند. چرا؟ چون امکانات برای برف روبی نیست. جاده‌های مناطق روستایی همان جاده‌های قرون وسطایی باقی مانده‌اند و مردم روستاها حتا دسترسی به یکدیگر ندارند، تا چه رسد به ارتباط با شهرها. امکان برق‌رسانی، آب و برق نیست، چون دولت وسائل و امکانات لازم دسترسی به آن‌ها را ندارد. روشن است که مسئول تمام فاجعه ناشی از

برف و باران در سالی که گذشت، نظم ارتجاعی و طبقه حاکم بر ایران است و نه برف و باران. در کشوری که فقط یک قلم از درآمد منابع طبیعی‌اش در هر سال متجاوز از صد میلیارد دلار است، طبقه حاکم تمام این درآمد هنگفت را یکجا غارت کرده، یا صرف ارگان‌ها و نهادهای انگلی دولتی و مذهبی یا هزینه جامطلبی‌های توسعه‌طلبانه خود و کمک به گروه‌های اسلام‌گرای مرتجع در سراسر ایران کرده است. چیزی باقی نمی‌ماند که صرف هزینه‌های زیر بنائی در کشور شود. این رژیم هر سال لاقلاً ۱۰ میلیارد دلار از حاصل دسترنج مردم ایران را فقط صرف کمک به رژیم سوریه و اسلام‌گرایان یمنی کرده است. وضعیت مسکن، بهداشت و رفاه ده‌ها میلیون تن زحمتکش در ایران چنان وخیم است که حدود ۲۰ میلیون از جمعیت کشور حاشیه‌نشین‌اند و ده‌ها هزار تن، کارتن خواب. اما ثروت این کشور به جیب اسلام‌گرایان لبنانی می‌رود و برای آنها بهترین خانه‌ها، مدارس و مراکز درمانی ایجاد می‌شود. روشن است که چرا امکانات نیست. روشن است که چرا هر حادثه طبیعی برای مردم ایران به یک فاجعه تبدیل می‌گردد.

در هر سال چندین زلزله در ایران رخ می‌دهد، همه ساله در نتیجه این زلزله‌ها گروهی از مردم ایران جان خود را از دست می‌دهند، مسکن‌شان بر سرشان خراب می‌شود و هست و نیست خود را از دست می‌دهند؟ در سال ۹۸ نیز همین زلزله‌ها رخ داد. آیا این یک جبر و تقدیر است که مردم در جریان هر زلزله جان بدهند و خانه‌های آن‌ها ویران گردد؟ به هیچ وجه!

گرچه هنوز علم و دانش بشریت به آن حد پیشرفت نکرده که بتوان وقوع زلزله را از قبل دقیقاً پیش‌بینی کرد، اما این پیشرفت به آن درجه رسیده که اکنون مناطق زلزله خیز را می‌شناسیم. اما اگر کسی این را هم نمی‌داند، علم و دانش بشریت در آن حد پیشرفت کرده که بتواند امکاناتی را فراهم آورد که حتی با شدیدترین زلزله‌ها نه کسی کشته شود و نه خانه‌های ویران گردد. پس چرا در هر سال، زلزله برای مردم ایران یک فاجعه است؟ به این علت ساده که خانه‌ها و ساختمان‌ها از مقاومت لازم و استاندارد در برابر زلزله برخوردار نیستند. در کشوری که دستمزد کارگر حتا کفاف نان خشک و خالی خانواده‌اش را نمی‌دهد یا در روستاهایی که مسکن دهقانان با خشت و گل و چوب سر پاهستند، چگونه می‌توان انتظار داشت مردم از مسکن مقاومی برخوردار باشند که در مقابل هر زلزله‌ای قدرت ایستادگی داشته باشد؟

جمهوری اسلامی در طول متجاوز از چهل سال به جای بهبود شرایط معیشتی کارگران و زحمتکشان، روز به روز آن‌ها را فقیرتر کرده و به آلونک‌های حاشیه شهرها رانده است. این آلونک‌ها در مقابل کوچک‌ترین زلزله‌ای فرو می‌ریزند و گاه ده‌ها هزار انسان را از نمونه بم به کام مرگ می‌کشاند. بنابراین آشکار است که زلزله با سطح کنونی پیشرفت و تمدن بشری فاجعه آفرین نیست، بلکه این نظم اقتصادی-

اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران است که هر زلزله‌ای را به یک فاجعه در ایران تبدیل می‌کند. فاجعه‌بارترین فجایع سال ۹۸ برای مردم ایران شیوع کرونا و مرگ و میر و خسارات متعدد مادی و معنوی آن است. آیا وقوع چنین فاجعه‌ای برای مردم ایران محتوم بود؟ ابداً.

آشکارتر از تمام فجایع دیگر، نقش رژیم حاکم بر ایران در آفریدن این فاجعه مرگبار دیده می‌شود. امروز دیگر حتی عقب‌مانده‌ترین مردم ایران می‌دانند که مسبب این فاجعه وحشتناک، طبقه ارتجاعی حاکم بر ایران و جمهوری اسلامی است.

علت چه بود که از میان تمام کشورهای خاور میانه، کرنا از ایران سر برآورد؟

منافع اقتصادی و سیاسی طبقه ارتجاعی حاکم بر ایران بود که این ویروس مرگبار را به ایران آورد و فاجعه‌ای به وسعت سراسر ایران آفرید. بر کسی پوشیده نیست که در اوج شیوع کرونا در چین نه فقط در ایران هیچ اقدام احتیاطی و پیش‌گیرانه‌ای صورت نگرفت، بلکه برعکس، مرتجعینی که هرگز در فکر جان مردم ایران نبوده‌اند، بیش‌ترین مناسبات و رفت آمدها را با چین داشتند. به خاطر این منافع اقتصادی و سیاسی بود که حتی به بهای جان مردم ایران این رفت و آمدها را ادامه دادند و این بیماری وحشتناک را در سراسر ایران اشاعه دادند. نه این که این جنایتکاران واقعا نمی‌دانستند چه خطری در ادامه این رفت و آمدها و مناسبات نهفته است. آن‌ها می‌دانستند و از آن آگاه بودند. دو روز پیش بود که یکی از معاونان وزارت بهداشت افشا کرد که چندین بار از مقامات بالاتر خواسته شد این رفت و آمدها را به چین قطع کنند و نکردند. از مدت‌ها پیش از آن که کرونا در ایران همه‌گیر شود، سران و مقامات جمهوری اسلامی واقعاً از آن آگاه بودند، اما آن را پنهان ساختند. آن‌ها در اوایل بهمن ماه مردمی را که در شبکه‌های اجتماعی در مورد شیوع کرونا خبر رسانی کردند، به اتهام پخش اکاذیب بازداشت کردند. در ۲۱ بهمن ماه یک زن مبتلا به کرونا در تهران مرد و خبر آن را بیمارستانی در تهران تایید کرد و در روزنامه‌ها نیز درج شد، اما تکذیب کردند تا مراسم فرمایشی ۲۲ بهمن و نمایش انتخاباتی‌شان را برگزار کنند. کار به جایی رسید که کرونا در قم چنان گسترش یافت که به مرگ تعدادی از مردم انجامید و دیگر نمی‌شد آن را پنهان ساخت. با این همه، انگار هیچ اتفاقی رخ نداده و برخورد با این بیماری مرگبار به روال گذشته ادامه یافت. هیچ اقدام جدی بازدارنده صورت نگرفت و قم قرنطینه نشد. حسن روحانی اصرار مردم و متخصصین را برای قرنطینه، تلاش دشمنان برای تعطیل کشور نامید. از مردم خواست که از روز شنبه همه سرکار بروند و روال عادی ادامه خواهد یافت. معاون مزدور وزارت بهداشت، قرنطینه را بی‌فایده و کهنه شده اعلام کرد. خامنه‌ای جنایتکار نیز گفت: "این بلا آنچنان بزرگ نیست و بزرگتر از آن نیز وجود داشته است" و مردم را پی خواندن دعا فرستاد. با گذشت هر روز تعداد بیشتری از مردم جان خود را از دست دادند، اما تعداد واقعی تلفات را نیز پنهان کردند. عاقبت کار روشن است. کرونا به سراسر ایران و حتی



## اطلاعیه برگزاری نشست نمایندگان شش نیروی چپ و کمونیست

بدینوسیله به اطلاع می‌رسد که در تاریخ اول مارس ۲۰۲۰ نشست مشترکی با حضور هیئت‌های نمایندگی "سازمان اتحاد فدائیان کمونیست"، "حزب کمونیست ایران"، "حزب کمونیست کارگری حکمیتست"، "سازمان راه کارگر"، "سازمان فدائیان اقلیت" و "هسته اقلیت" در شهر کلن آلمان برگزار شد.

این جلسه ضمن ارزیابی و برشمردن نقاط قوت و ضعف همکاری‌های مشترک این شش جریان از کنفرانس استکهلم تاکنون، روی ضرورت ارتقا و گسترش فعالیت‌های این جمع تاکید نمود.

در بخش اول این جلسه نمایندگان احزاب و سازمان‌ها با ارزیابی از دستاوردها و کاستی‌های این همکاری در پاسخ به نیازها و ضرورت‌های مبارزاتی دوره کنونی که در آن جامعه ایران در آستانه تحولاتی سرنوشت‌ساز قرار دارد، تلاش کردند به یک ارزیابی مشترک برسند که بر اساس آن بتوانند همکاری نیروهای چپ و کمونیست را در ایفای وظیفه و نقش‌شان در اوضاع خطیر کنونی ارتقا دهند.

ارزیابی‌ها و مباحثات و راهکارهای مختلف ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان این نشست از طریق سمینارهای تلویزیونی و نشست‌های حضوری و با نوشتاری به منظور مشارکت و همکاری‌های وسیع‌تر بین همه نیروهای چپ و کمونیست به بحث گذاشته خواهد شد و این جمع از این رهگذر تلاش خواهد کرد برغم برخی اختلاف‌نظرها، گفت‌وگو و همکاری بیشتری در بین همه نیروها و انسان‌های چپ و کمونیستی که به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و جایگزینی آنترناتیوی سوسیالیستی برای فردای جامعه ایران باور دارند، فراهم سازد.

در بخش دوم این نشست تصمیم گرفته شد که از این به بعد این جمع تحت عنوان "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" با امضاء نیروها، همکاری و فعالیت مشترک خود را پیش برد و کوشش خواهد کرد بازتاب این همکاری‌های جمعی، بیشتر از گذشته در قالب موضع‌گیری‌های مشترک، همکاری‌های عملی در هر محلی که نیروهای این شورا حضور دارند و بهره‌گیری از سایر ابزارهای میدیایی که بتوان از طریق آنها صدای حق طلبی و مبارزاتی کارگران، زنان، جوانان، معلمان و کلیه محرومان و تهیستان جامعه را راسخ سازد.

«شورای همکاری» اگرچه با امضاء نیروهای معینی شناخته می‌شود، اما این جمعی بسته نیست و در جریان همگامی و همکاری بین نیروهای چپ و کمونیست می‌تواند تقویت شود.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۱۱ مارس ۲۰۲۰

ShorayeHamkari@gmail.com

## سالی که جمهوری اسلامی فجایع بیشمار آفرید

کشورهای همسایه گسترش یافت. همه جا را آلوده کرد و تا به امروز جان هزاران تن از مردم ایران را گرفته است. این یک جنایت هولناک جمهوری اسلامی علیه مردم ایران است. آنچه که می‌توانست در ایران رخ ندهد و حتی به فرض رخ دادنش، به فوریت مهار شود، در کشوری که منافع اقتصادی طبقه حاکم بر جان میلیون‌ها انسان تقدم دارد، در کشوری که حکومت این طبقه بر سرنیزه، دروغ و فریب بنا شده است و در شرایط فقدان امکانات بهداشتی و درمانی ضروری، در مدتی کوتاه به یک فاجعه ملی در ایران تبدیل شد.

فجایعی که جمهوری اسلامی در سال ۹۸ به بار آورد، البته به آنچه که گفته شد، محدود نیست. در عرصه‌های دیگر نیز فجایع متعدد آفرید. در سال ۹۸ میلیون‌ها تن دیگر از کارگران و زحمتکشان در نتیجه بحران اقتصادی نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران و سیاست اقتصادی ارتجاعی جمهوری اسلامی به اعماق فقر و گرسنگی سوق داده شدند. با تشدید رکود و تعطیل بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی میلیون‌ها تن از مردم کارگر و زحمتکش و جوانان جویای کار به صفوف ارتش بیکاران و گرسنگان پیوستند. در سال ۹۸ روز به روز بهای کالاها افزایش یافت و سطح زندگی عموم توده‌های زحمتکش فاجعه‌بارتنزل کرد. با این اوصاف، جمهوری اسلامی تلاش نمود فشار بحران‌های اقتصادی و مالی خود را هر چه بیشتر برگرداند مردم زحمتکش قرار دهد. دولت که در نتیجه دزدی‌های و غارت‌های سران و مقامات حکومتی و هزینه‌های کلان نظامی و توسعه‌طلبی با خزانه‌ای تهی مواجه شده است، برای تامین مخارج خود، بهای کالاها را انحصاری دولتی را گاه به چند برابر افزایش داد که یک نمونه آن سه برابر شدن بهای بنزین و در پی آن قتل عام وحشیانه مردم معترض بود. فجایعی که جمهوری اسلامی در سال ۹۸ آفرید بسیارند.

اما سال ۹۸ چهره دیگری هم داشت. سالی سرشار از مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمتکشان برای برانداختن جمهوری اسلامی بود که عالی‌ترین تجسم آن در قیام آبان ماه در سراسر ایران انعکاس یافت. مبارزات سال ۹۸ دارای چنان اهمیتی است که بحث مفصل‌تر و جداگانه‌ای را می‌طلبد. چرا که در این سال، کارگران و زحمتکشان و تمام ستم‌دیدگان ایران با مبارزات خود نشان دادند که دیگر نمی‌خواهند نمی‌توانند نظم سر تا پا ارتجاعی موجود را تحمل کنند و طبقه حاکم نیز با تمام بحران‌هایی که این نظم را فراگرفته و شکست سیاست‌هایش در تمام عرصه‌های اقتصادی-اجتماعی و سیاسی کاملاً آشکار ساخت که دیگر نمی‌تواند به شکل و شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. در سال ۹۸ بحران سیاسی به عمیق‌ترین شکل خود بروز کرد. همین بحران تعیین‌کننده رویدادها و تحولات سیاسی است که در سال آینده رخ خواهد داد.

سال ۹۸ با تمام مصائب آن برای مردم ایران گذشت، سالی جدید در پیش است که کارگران و

ایران در نتیجه شیوع کرونا با آن رو به روهستند، همواره یکی از خصائل برجسته توده‌های ستم‌دیده در سراسر جهان بوده است. مردم ایران بر این فاجعه نیز غلبه می‌کنند، آن را از سر می‌گذرانند و با امید به آینده‌ای بهتر به مبارزه برای دگرگونی تمام نظم فاجعه‌بار موجود ادامه خواهند داد. با امید و آرزوی سالی سرشار از شادی و موفقیت برای کارگران و زحمتکشان و تمام توده‌های ستم‌دیده مردم ایران.

زحمتکشان ایران باید برای نجات از تمام فجایعی که تا کنون با آن مواجه بوده‌اند، به نبرد نهائی برای تسویه حساب قطعی با نظم موجود برخیزند. مردم ایران هرگز فجایع وحشتناکی را که جمهوری اسلامی در ایران به بار آورده و تنها یک نمونه آن فاجعه کشتار مردم در نتیجه شیوع کروناسست، فراموش نمی‌کنند. امید به آینده‌ای بهتر حتی در سخت‌ترین و دشوارترین شرایط نظیر شرایط فاجعه‌باری که اکنون مردم

## مبارزه برای افزایش دستمزد به بالای خط فقر

مرحله‌ای رساند که نیروی کار کارگران در ایران به یکی از ارزان‌ترین نیروهای کار در جهان تبدیل گردید و سهم دستمزد از هزینه تولید بسیار کاهش یافت.

امروز نیز بهانه‌ی طبقه حاکم برای کاهش دستمزدهای واقعی، بحران و رکود اقتصادی و ناتوانی کارفرمایان برای پرداخت دستمزدهای بالاتر است. این هم در واقع بهانه‌ای بیش نیست. اول این‌که بحران و رکود اقتصادی چیز جدیدی نیست و بیش از چهار دهه است که اقتصاد ایران به آن دچار است. دوم این‌که در حالی که هزینه دیگر عوامل تولید از جمله مواد اولیه در اثر تورم بسیار بالا رفته است (بیش از ۶۰ درصد براساس گزارش مرکز آمار) و قیمت کالاهای تولید شده نیز به همین نسبت و حتی بیشتر بالا رفته است، تنها کالایی که بهایش نسبت به دیگر کالاها افزایش نداشته است همان نیروی کار است.

علیرضا محبوب نماینده مجلس اسلامی و دبیر کل "خانه کارگر" در اردیبهشت ۹۷ با بیان این‌که سهم دستمزد در هزینه‌ی تمام شده کالا باید بین ۱۳ تا ۱۸ درصد باشد، سهم دستمزد در هزینه تمام شده کالا در ایران را بین ۵ تا ۶ درصد اعلام کرده بود. از آن زمان تا امروز با توجه به نرخ بالای تورم از جمله در مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و دیگر عوامل تولید، سهم دستمزد در کل هزینه تولید کالا به روند نزولی خود ادامه داده است. به عبارت دیگر حتی اگر سال آینده دستمزد ۵ برابر افزایش یابد تازه سهم آن در هزینه تولید به میزانی می‌رسد که حتی علیرضا محبوب، این عنصر ضد کارگر، می‌گوید باید به آن برسد!!!

علی ابراهیمی دیگر نماینده مجلس اسلامی است که به نازل بودن بهای نیروی کار در ایران اعتراف می‌کند. او نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا در بهمن‌ماه گذشته می‌گوید: "در شرایط کنونی هیچ خانواده‌ای نمی‌تواند با درآمد کمتر از ۴ میلیون تومان در ماه زندگی کند" وی در ادامه با تأکید بر این‌که حتی بهای کالاهای اساسی که دولت مدعی‌ست با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شوند هیچ تفاوتی با بهای آن کالاها در دیگر کشورها ندارد، می‌گوید: "اکنون در هر نقطه از جهان که حقوق کارگران را بررسی کنیم، در کمترین حالت حداقل دستمزد ۶۰۰ دلار است، شاید در مشاغل پست که نمونه آن بسیار کم است یا کارگرانی که در حق آن‌ها اجحاف می‌شود، حقوق ۴۵۰ دلار باشد اما این میزان دستمزد را نمی‌توان زیاد مشاهده کرد"

اعتراف به دستمزد حداقل ۶۰۰ دلاری در حالی که دستمزد کارگران در ایران (مصوب شورای

سال‌جاری کمیته دستمزد کانون شوراهای اسلامی کار اعلام کرد که با توجه به تورم ماه فروردین سبد معاش خانوار ۵۷ درصد و تنها در طول یک ماه افزایش یافته و به ۵ میلیون و نهصد هزار تومان رسیده است. در اردیبهشت ماه همین کمیته اعلام کرد که سبد معاش یک خانوار نسبت به ماه فروردین بار دیگر افزایش پیدا کرده و به ۶ میلیون و ۴۸۲ هزار تومان رسیده است. این روند تا شهریور ماه سال‌جاری که سبد معاش از نظر این کمیته به حدود ۹ میلیون تومان رسیده بود ادامه یافت. پس از شهریور نیز این کمیته رقم جدیدی برای سبد معاش خانوار اعلام نکرد چرا که با توجه به ادامه روند افزایش بهای کالاها و نرخ تورم، بویژه در ماه‌های اخیر، این سبد - حتی از نظر این کمیته - می‌بایست هم اکنون مرز ده میلیون تومان را نیز به راحتی رد می‌کرد.

اما اگر حتی همین ۹ میلیون تومان را که در شهریور ماه از سوی کمیته دستمزد کانون شوراهای اسلامی کار اعلام شد در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که فاصله دستمزد با خط فقر در طول یک سال براساس برآوردهای این کمیته، بیش از ۵ میلیون تومان افزایش یافته است، بنابراین افزایش یک میلیون و ۱۸۰ هزار تومانی برای کارگران یعنی فقری بدتر و دردناکتر. اما جالب این‌جاست که همین افراد که بر خود نام نمایندگان کارگری شورای عالی کار گذاشته‌اند، در جلسات شورای عالی کار و برای رضایت طبقه حاکم سرمایه‌دار دو هفته پیش بر سبد معاش ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومانی مهر تایید می‌زدند، یعنی نیمی از آن مبلغی که کمیته دستمزد آن‌ها که ریاست‌اش برعهده‌ی همین فرامرز توفیقی عضو شورای عالی کار است - آن‌هم تازه در شهریورماه - تعیین کرده بود!!!

طبقه سرمایه‌دار حاکم که شورای عالی کار یکی از ارگان‌های وابسته به آن است، همواره به دنبال بهانه‌ای برای پایین نگاه داشتن و کاهش دستمزد واقعی کارگران است. سال‌ها نمایندگان این طبقه در دولت مدعی بودند که در صورت افزایش دستمزد تورم بالا خواهد رفت و این به ضرر خود کارگران است. در عمل همگان فهمیدند که این تنها بهانه‌ی طبقه حاکم برای پایین نگاه داشتن دستمزدهاست. تورم هر سال بالا رفت بدون این‌که دستمزد کارگران به اندازه تورم بالا رود. نتیجه آن هم پایین آمدن قدرت خرید کارگران و رانده شدن آن‌ها به زیر خط فقر بود. کاهش دستمزدهای واقعی کارگران در طول این سال‌ها آن‌قدر تداوم یافت تا در عمل دستمزد را به

شورا کسانی هستند که در طول دوران حاکمیت جمهوری اسلامی با حضور در تشکل‌های دولتی شوراهای اسلامی کار و "خانه کارگر" وظیفه‌ای جز سرکوب کارگران و همکاری با ارگان‌های سرکوب و امنیتی در دستگیری و اخراج کارگران پیشرو نداشته‌اند. در همین جلسات شورای عالی کار نیز اثبات شده است که این نمایندگان آلت‌دست طبقه حاکم بوده و تنها برای مهیج نشان دادن نمایش مضحک تعیین حداقل دستمزد در شورای عالی کار و کلاه گذاشتن بر سر طبقه کارگر وارد چانه‌زنی‌هایی می‌شوند که نتایج آن از قبل مشخص است. نمایشی که هر سال برای کارگران تکرار می‌شود و دیگر سال‌هاست که اعتباری در میان طبقه کارگر ندارد.

برای امسال نیز هدف طبقه حاکم سرمایه‌دار در مورد تعیین حداقل دستمزد مشخص است. سقف حداکثری افزایش حداقل دستمزد را به‌خوبی می‌توان در سخنان فرامرز توفیقی رئیس کمیته دستمزد کانون شوراهای اسلامی کار و عضو شورای عالی کار در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا به تاریخ یکشنبه ۲۵ اسفند دید. وی با اشاره به سقف حداقل حقوق کارمندان در بودجه ۹۹ که دو میلیون و هشتصد هزار تومان تعیین شده است و با توجه به میزان سبد معاش خانوار که در شورای عالی کار تصویب شده (حدود ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان) و فاصله یک میلیون و ۱۸۰ هزار تومانی آن با سبد معاش خانوار در سال گذشته، از پیشنهاد به اصطلاح نمایندگان کارگری برای حداقل دستمزد ۲ میلیون و هفتصد هزار تومانی پرده برمی‌دارد. البته او در ادامه به گزافه‌گویی پرداخته و می‌گوید "این کف پیشنهاد ما برای ورود به مذاکره است"، اما همه می‌دانند که این سقف میزان حداقل دستمزدی خواهد بود که شورای عالی کار اعلام خواهد کرد. اگرچه حتی ممکن است به بهانه‌ی هزینه مسکن، فرزند و غیره که به حداقل دستمزد اضافه می‌شود، سقف حداقل دستمزد از این مبلغ هم کمتر تعیین شود.

اما اگر همین حداقل دستمزد ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومانی را هم در نظر بگیریم، نه فقط فاصله دستمزد با خط فقر کاهش نمی‌یابد بلکه همچنان این فاصله بزرگتر می‌گردد، این واقعیتی‌ست که حتی ارزیابی‌های کمیته دستمزد کانون شوراهای اسلامی

کار بر آن صحه می‌گذارد. در حالی که شورای عالی کار با توافق به اصطلاح نمایندگان کارگری در اسفند ۹۷ سبد معاش خانوار را ۳ میلیون و ۷۶۰ هزار تومان تعیین کرده بود، در فروردین

۱۹ اسفند سال ۱۳۵۷ نخستین شماره نشریه کار انتشار یافت

واز آن تاریخ تاکنون بی‌وقفه انتشار یافته است

نشریه کار اکنون چهل و دومین سال انتشار خود را آغاز می‌کند.

## راه کار کارگران در مبارزه علیه کرونا



درمحل کار کاست و همزمان ماسک و دستکش و لوازم بهداشتی در اختیار کارگران قرارداد و کل محیط کار را بطور مرتب ضد عفونی کرد، در برخی واحدهای تولیدی رشت، کارگران " به جای سه شیفت در یک شیفت کار می کنند" (ایلنا). کارفرما در واقع باعث ازدیاد تراکم انسانی در سالن ها و رستوران و سرویس های بهداشتی و غیره شده و کارخانه را به محل مناسب تری برای شیوع بیشتر و توزیع آسان تر کرونا تبدیل نموده است. در هفت تپه نیز کارفرما به جای تجهیز کارگران نی بر به دستکش و روپوش و ماسک و ضد عفونی کردن محیط کار کارگران، با استفاده از دستگاه سمپاش آلوده به سموم دفع آفات گیاهی، سرو صورت و بدن کارگران را سمپاشی کرد. بعداً اعلام شد آن چه به عنوان ماده ضد عفونی کننده در دستگاه سمپاش ریخته شده محلول وایتکس بوده است. البته این اقدام به غایت جاهلانه و اهانت بار، فوراً مورد اعتراض اسماعیل بخشی، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کانال مستقل کارگران هفت تپه و بسیاری دیگر از کارگران این شرکت قرار گرفت.

دولت حاکم نیز که همواره حافظ منافع سرمایه داران و حامی کارفرمایان بوده است، نه خود اقدام جدی مستقلی در زمینه حفاظت از جان کارگران انجام داده و نه کنترل و نظارتی در محیط های کارگری و اجبار کارفرمایان برای محافظت از جان کارگران برقرار نموده است. هم اکنون جان میلیون ها کارگر و اعضای خانواده شان در سرتاسر کشور در معرض خطر است. ویروس کرونا از قم به ۱۶۰ شهر و ۳۱ استان تسری یافته و رقم بیماران و فوت شدگان با سرعت و بطور تصاعدی در حال افزایش و فاجعه بزرگ تری در راه است.

در صفحه ۶

که در یکی از آب میوه فروشی های رشت کار می کند ضمن اشاره به وضعیت بحرانی این شهر و نبود کنترل و نظارت می گوید "برای ۷۰۰ هزار تومان حقوق ماهیانه و با فوق لیسانس باید اینجا باشم... کارفرما می گوید اگر نمی خواهی در این وضع بیایی دیگر نیا."

نمونه های متعددی هست که کارگران به بیماری کرونا مبتلا شده اند اما کارفرما هیچ اقدامی نه برای این کارگران و نه برای جلوگیری از شیوع بیماری در میان سایر کارگران انجام نداده است. به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، در سامانه های مختلف شرکت واحد " متاسفانه کارگران بیمار همچنان در محیط های کار خطرناک مشغول بکار هستند و مدیران سامانه های شرکت واحد هم با بی توجهی به دستور العمل و بخشنامه شهرداری تهران و بی توجهی به وضعیت جسمانی این کارگران، هیچ تمهیداتی و تدابیری هم برای رعایت حال این کارگران بیمار که در چنین شرایط سخت و دشواری کار میکنند در نظر نگرفته اند". یکی از کارگران راه آهن اراک می گوید "هیچگونه امکانات و تجهیزات حفاظت فردی از خودمون نداریم و شرکت هیچ اقدامی واسمون انجام نمیده" او میگوید در روستاهای نزدیک محل کار وی ۱۰ نفر به علت مبتلا شدن به این بیماری فوت کرده اند و اضافه می کند که "از همان روستاها چند تا کارگر میان و ما باهاشون سروکار داریم نمیدونیم چکار کنیم... الانم که ۲۰ اسفندماهه و هیچ خبری از حقوق عیدی و بن نیست... مدیر پروژه هم که اصلاً منطبق نداره و فقط میگه برید سر کار وگرنه اخراجید". در ایران خودرو نیز با وجود آن که خبر فوت دست کم یک کارگر در اثر ابتلاء به ویروس کرونا و توقف برخی خطوط تولید اعلام شده، اما بخش زیادی از کارگران از جمله کارگران بخش خدمات فنی هنوز در این کارخانه مشغول کارند.

همین چند نمونه برای نشان دادن وضعیت عمومی کارگران در شرایطی که کرونا دارد مردم بی دفاع را درو می کند، کافیست. سرمایه داران و کارفرمایان تنها در فکر سودخوش و افزایش آند و به جان کارگران اهمیت نمی دهند. درست در شرایطی که باید بسیاری از کارخانه ها و کارگاه ها رابطور مقطعی تعطیل کرد و یا باشیفت بندی و اقداماتی دیگر از تراکم کارگران

اسلامی کماکان تماشاچی صحنه است و جز دروغ و فریب و وعده و برخی کارهای جزئی و نمایشی، هیچگونه اقدام اساسی انجام نداده است. بی توجهی و بی مبالائی رژیم در قبال محافظت از جان کارگران و عموم شهروندان، ناکارآمدی و تعلل آن در قبال پیشگیری و مقابله با ویروس کرونا، علاوه بر خسارت ها و تلفات انسانی تا کنونی، جان میلیون ها کارگر و اعضای خانواده کارگران را نیز در معرض خطر جدی مرگ قرار داده است. هیچکس به فکر کارگران نیست. در حالیکه خطر ابتلاء انبوه کارگران به بیماری کرونا در محیط های کار یک خطر جدیست و هم اکنون نیز در برخی مراکز کارگری شماری از کارگران به این بیماری مبتلا شده اند که این مراکز به فوریت باید تعطیل و قرنطینه و از جان کارگران محافظت شود، اما نه سرمایه داران و کارفرمایان و نه دولت که خود کارفرمایی بزرگ و حافظ منافع طبقه سرمایه دار است، اقدامی در این جهت و برای جلوگیری از ابتلاء کارگران به بیماری کرونا انجام نداده اند. حتی در مناطقی که وضعیت فرمز اعلام شده باز هم کارگران باید ریسک بالای ابتلاء به بیماری و خطر مرگ را بپذیرند و در محل کار حاضر شوند. هر جا کارگری در خانه مانده است، حتی کارگری که به بیماری کرونا مبتلا شده، کارفرما به فوریت حکم اخراج وی را صادر نموده و کارگر جدیدی جایگزین وی ساخته است. برای مثال کار وفالیت در "کارخانه ایران پولین رشت" مانند صد ها کارخانه دیگر ادامه دارد و کارفرما که تنها در فکر سودآوری خویش است به وضعیت فرمز واقعی نگذاشته و به جان کارگران اهمیتی نمی دهد. یکی از مسئولین کاریابی استان گیلان در مورد فشار کارفرمایان بر کارگران می گوید "... فشاری که به کارگران می آید واقعا سهمگین است و آنها نمیتوانند زیر فشار این تعدیلهای و تهدید به اخراجها در صورت نیامدن به سرکار کمر راست کنند". هیچگونه کنترل یا نظارتی نه در استان گیلان و نه در سایر استان ها، نه در سطح کارخانه های بزرگ و نه در سطح کارگاه های کوچک، رستوران ها، اغذیه فروشی ها، چاپخانه ها و غیره وجود ندارد. صاحبان این واحد ها صریحاً به کارگران گفته اند در صورت ماندن در خانه و نیامدن به سر کار اخراج اند. سمیرا کارگر زنی

۱۸ مارس مصادف است با بزرگترین رویداد تاریخ جنبش کارگری

که در فرانسه رخ داد و پرولتاریای قهرمان پاریس، کمون پاریس

یا نخستین حکومت کارگری جهان را برپا داشت.

\*

گرامی باد یاد کمون پاریس نخستین حکومت کارگری جهان!

## راه کار کارگران در مبارزه علیه کرونا



اعتصاب در هیکو بسیار بالاست. در نفت، اوضاع از این هم بحرانی تر و جدی تر است. وزارت نفت طی بخشنامه ای تأکید کرده بود که آمار بیماران کرونایی شرکت نفت و زیر مجموعه های آن صرفاً باید به این وزارت خانه اعلام گردد و به هیچ عنوان نباید رسانه ای شود. این بخشنامه اعتراض وسیع کارگران نفت و پتروشیمی ها را برانگیخت. وزارت نفت همچنین با کاهش ساعات کار کارگران مخالفت کرده بود که این موضوع نیز مورد اعتراض کارگران بود. در حالی که تعطیلی موقت و مقطعی شرکت های نفتی خواست کارگران و مورد تأیید کارشناسان این رشته بود، اما وزیر نفت به شدت بآن مخالفت می کرد. نفت اما خاموش نماند. اعتراض و نارضایتی کارگران نسبت به بی تفاوتی کارفرما و دولت به سلامتی و جان کارگران بالا گرفت. چراغ نفت تازه داشت شعله می کشید و زمزمه اعتصاب بالا و بالاتر می رفت که وزیر نفت عقب نشست و با تعطیلی فاز ۲ پالایشگاه نفت آبادان با حدود ۳۰۰۰ نیروی کار شاغل موافقت کرد.

کارگران راه آهن نیز با یک اعتصاب سراسری به مصاف کارفرما و دولت رفته اند. کارگران راه آهن با انتشار فراخوانی برای اعتصاب از روز ۲۲ اسفند، کار را تعطیل کردند. آنان در اطلاعیه ها و بیانیه های خود به درستی مطرح نموده اند شرکت های گوناگونی که راه آهن را اداره می کنند، موظف اند حقوق کلیه کارگران روز مزد، رسمی و غیر رسمی را دست کم به مدت ۱۴ روز پرداخت کنند. دولت و شرکت های متعددی که در ارتباط با خطوط آهن فعالیت می کنند همچنین موظف اند ماسک و دستکش و مواد ضد عفونی کننده و سایر تجهیزات بهداشتی را به رایگان در اختیار تمامی کارگران و خانواده هایشان قرار دهد. فراخوان کارگران راه آهن و روی آوری آنان به اعتصاب، ضرورت حفظ سلامت و محافظت از جان کارگران و خطر ابتلاء به بیماری کرونا را به کارفرمایان و دولت حامی آن ها یادآور شد. به دنبال آن، مدیریت خط و ابنیه فنی منطقه زاگروس و ادار شد محل کار پرسنل ستادی، اداری، جوشکاری، و سایر بخش ها را روزانه ضد عفونی کند و از ترس گسترش اعتصاب برخی لوازم بهداشتی را نیز در اختیار کارگران قرار دهد.

در شرکت واحد نیز کارگران از ۱۹ تا ۲۲ اسفند یک اعتراض جمعی در شکل رانندگی با چراغ روشن را سازماندهی نمودند. براساس اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، کارگران این شرکت بدون هیچگونه امکانات حفاظتی و بهداشتی مانند ماسک و دستکش و مواد ضد عفونی کننده، حتی با وجود بیماری های مختلف و خاصی که برخی

بناشده و جنایات بی شماری در حق توده های مردم مرتکب شده است، هیچگونه اقدام جدی برای جلوگیری از خطر ابتلاء کارگران به بیماری کرونا و محافظت از جان آن ها صورت نمی گیرد. حق سلامت و حق زندگی، حق غیرقابل انکار کارگران و عموم مردم است که جمهوری اسلامی عملاً آن را نقض و از کارگران و زحمت کشان سلب نموده است. سرمایه داران و کارفرمایان نیز که مورد حمایت رژیم قرار دارند، تنها در فکر کسب سود اند، اقدامی برای محافظت از جان کارگران انجام نمی دهند و با تعطیل و توقف حتی مقطعی کارخانه ها و کارگاه ها مخالفت می کنند. بنابر این، کارگران باید خود و با ابتکار عمل خود به جنگ با کرونا برخیزند و از جان خویش محافظت کنند. تنها با مبارزه متشکل و تنها با اعتصاب و خواباندن چرخ های تولید است که می توان به سرمایه داران و دولت آن ها ضرورت محافظت از جان کارگران را یادآوری نمود و آن را به مرحله اجرا گذاشت. روحیه اعتراضی و خشم کارگران نسبت به بی اعتنائی کارفرمایان و دولت حامی آن ها به جان و سلامت کارگران فوق العاده افزایش یافته و متراکم شده است. این روحیه و خشم، در بسیاری از واحد ها و کارخانه ها به مرحله انفجاری نزدیک شده است. کارگران راه کار ویژه خود را برای مبارزه با کرونا ارائه داده اند. آنان خود وارد عمل شده و برای حفظ سلامت و نجات جان خویش به اعتراض و اعتصاب روی آورده اند و بیش از این روی خواهند آورد.

کارگران مجتمع فولاد اهواز بارها خواهان دستکش و ماسک و ضد عفونی کردن محل کار شده و خطر بیماری کرونا را هشدار داده بودند، اما مدیریت شرکت نسبت به این خواست ها و هشدار ها توجهی نکرد، از این رو در اعتراض به نبود امکانات پیشگیری از بیماری کرونا و بی توجهی کارفرما به جان و سلامت کارگران، اعتصاب یک پارچه ای را تدارک دیده بودند. مدیریت شرکت که از تصمیم کارگران باخبر شده بود، این تصمیم را به اطلاع مقامات بلند پایه دولتی در استان خوزستان رساند. مدیران شرکت و حامیان دولتی آن ها برای جلوگیری از انعکاس صدای اعتصاب فولاد و تأثیر آن بر سایر کارخانه ها و مؤسسات، این مجتمع را "تا اطلاع ثانوی" تعطیل اعلام کردند. کارفرما متعهد شد دستمزد کارگران در ایام تعطیل این مجتمع به طور کامل پرداخت شود. تعطیلی فولاد اهواز و پذیرش پرداخت دستمزد ایام تعطیل، یک موفقیت بزرگ نه فقط برای کارگران فولاد اهواز که تا کنون نقش پیشتازانه ای در جنبش کارگری ایفا کرده اند، بلکه برای کل کارگران ایران است. کارگران فولاد راه محافظت از جان و سلامت کارگران در برابر کرونا را به سایر کارگران نشان دادند.

البته فقط فولاد نیست که با اسلحه اعتصاب به جنگ کرونا و بی تفاوتی کارفرما و دولت رفته است. در هیکو نیز کارگران به اشکال مختلفی اعتراض نموده اند. زمزمه های اعتصاب در این واحد نیز شنیده می شود. روحیه و زمینه

برای جلوگیری از یک فاجعه بزرگ تر، تمام کارخانه ها و کارگاه های بزرگ جز آن ها که با نیاز های ضروری و روزمره مردم سروکار دارند، باید بطور موقت و مقطعی تعطیل شوند. ماسک، دستکش، مواد ضد عفونی کننده باید به اندازه کافی و رایگان در اختیار کارگران و خانواده هایشان قرار گیرد. هر کارخانه و مؤسسه ای که تعطیل نمی شود باید به صورت شیفتی اداره شود، ساعات کار آن کاهش یابد و محیط کار بطور کامل، مرتباً ضد عفونی شود. تمام لوازم بهداشتی ضروری باید بطور رایگان در اختیار کارگران و سایر پرسنل این کارخانه ها و مؤسسات قرار گیرد. کارفرمایان چنانکه تا کنون نیز نشان داده اند نسبت به سلامتی و جان کارگران بی تفاوت اند و به آن اهمیت نمی دهند. کارگران باید بطور متحد و یکپارچه دست به اعتراض و اعتصاب بزنند و کارفرما را وادار به تهیه ماسک و دستکش و مواد ضد عفونی کننده سازند و حتی با ایجاد کمیته های ویژه، خودشان ضد عفونی کامل محیط کار را بر عهده بگیرند.

انبوه عظیمی از کارگران کارگاه های کوچک، کارگران ساختمانی برق کار، گچ کار و امثال آن از کاریکاشده اند که نه کارفرماها و نه هیچ یک از نهاد های دولتی از نمونه وزارت کار، اعتنائی به این موضوع نکرده اند. دولت باید لا اقل در دوره تعلیق فعالیت کارگاه، دستمزد این کارگران را به پردازد و معیشت آن ها را تأمین کند. بسیاری از دست فروشان، زنان سرپرست خانوار، کارگران اغذیه فروشی ها، مغازه ها، کودکان کار و خیابان و امثال این ها که بنا به گزارش اینلنا جمعیتی بین ۱۰ تا ۱۱ میلیون را تشکیل می دهند از هیچگونه بیمه ای برخوردار نیستند. تمام این اقشار که همگی در معرض بیماری کرونا هستند و زندگی شان مختل شده است، بایستی تحت حمایت دولت قرار بگیرند، از خدمات بیمه ای برخوردار شوند و سلامتی آن ها تضمین شود. بسیاری از دولت های سرمایه داری در شرایط بروز فجایعی مانند شیوع بیماری کرونا، به پاری مردم برمی خیزند و عموماً از سلامتی و حفظ جان شهروندان غفلت نمی کنند. در چین بلافاصله بعد از شیوع بیماری، کارخانه های صنعتی بزرگ تعطیل شد. در کارخانه "هیوندای موتور" که سالانه به طور متوسط ۵ میلیون خودرو تولید می کند، همینکه آزمایش کرونای یک کارگر مثبت اعلام شد، تمام خطوط تولید متوقف و کارخانه به طور موقت تعطیل شد. کارگران کارخانه به مرخصی رفتند و مراقبت از آنان در خانه ها دامه یافت. در ایتالیا، دانمارک، نروژ و برخی کشورهای سرمایه داری دیگر نیز اقدامات پیشگیرانه ای انجام شده یا در شرف انجام است. در فرانسه رئیس جمهور این کشور اعلام کرد، دولت از کلیه شرکت های بزرگ و کوچک که با کاهش فعالیت اقتصادی روبه رو می شوند حمایت خواهد کرد و پرداخت دستمزد و حقوق کارگران و کارکنان این شرکت ها را که ناگزیر از کار باز می مانند، بر عهده خواهد گرفت.

در جمهوری اسلامی اما که بر پایه دروغ و فریب و کتمان حقایق و ظلم و استعمار بی حد و حصر

## راه کار کارگران در مبارزه علیه کرونا

کارگران بدان مبتلا هستند، در این شرایط بحرانی همچنان باید کارکنند. ناکارآمدی مدیریت و عدم تأمین لوازم بهداشتی برای جلوگیری از ابتلاء به کرونا و حفاظت از جان کارگران و همچنین عدم پرداخت حقوق و عیدی، از دلایل اصلی حرکت اعتراضی کارگران شرکت واحد بود که از جمله رانندگان خطوط بی آر تی در سامانه های ۳ و ۴ و ۷ در آن شرکت داشتند. کارگران توقف گاه و تعمیر گاه و سامانه ۶ نیز در همین رابطه با تجمع در مقابل ساختمان اداری شرکت، دست به اعتراض زدند.

این ها شمه ای از مبارزات و اعتراضات اخیر کارگران و یگانه راه کار مبارزاتی آنان در نبرد علیه کرونا و برای حق حیات و زندگی بوده است. به این اعتصابات باید اعتراضات کوچک دیگری را نیز افزود که در همه ی آن ها بی توجهی دولت و کارفرما نسبت به جان و سلامت کارگران موضوع اصلی اعتراض و ماسک و دستکش و مواد ضد عفونی یا کاهش ساعات کار و تعطیلی مقطعی از جمله خواست های کارگران بوده است. اعتراض کارگران و کارکنان شرکت های اقماری زیر مجموعه وزارت نفت، کارگران حفاری ها، پتروشیمی ماهشهر، کارگران عسلویه و کنگان، خودروسازی استان های تهران و البرز، ایران خودرو و جنورد، کارگران معدن زغال سنگ طزره، معدن طلای زرشوران، کارگران مترو، کارگران حمل و نقل جاده ای بیرجند، کارگران و کارکنان مخابرات، کارخانجات شیشه قزوین، مبل سازی جنورد، کارگران شهرداری، کارگران فروشگاه های زنجیره ای، کارگران جایگاه سوخت سندانج، کارگران لاستیک پارس، فنر سازی خاور، پارس فنر، و چندین کارخانه دیگر در شهر صنعتی ساوه، از جمله کارگران و واحدهایی بوده اند که در ارتباط با کرونا و تنها در فاصله ۱۰ تا ۲۵ اسفند دست به اعتراض زده اند. این اعتراضات در واقع ضمن بیان روحیه اعتراضی کارگران، نشان از آمادگی آن ها برای روی آوردی به اعتصاب و استفاده از اشکال مؤثر تر مبارزه است.

وقتی که کارفرمایان و دولت حامی آن ها طبقه کارگر را در دامان بحران مرگ بار کرونا گرفتار و آنان را در معرض خطر مرگ قرار داده و نسبت به سلامت و جان کارگران بی توجه اند، کارگران نیز می توانند و باید به روش خود با کرونا مبارزه کنند و به مقابله با کارفرمایان و رژیم جنایتکار حامی آن ها که این ویروس را به جان مردم انداخت برخیزند که تا همین لحظه نیز گام های اولیه را در این زمینه برداشته اند.

از یاد نبریم که تعطیلی مقطعی کارخانه ها و مؤسسات صنعتی و خدماتی، تنها گام نخست حفاظت از نیروی کار در مقابل بیماری کروناست. به دنبال آن اقدامات ضروری بهداشتی و پزشکی نیز باید انجام شود و مقدم بر هر چیز تمام لوازم بهداشتی از ماسک و دستکش

## مبارزه برای افزایش دستمزد به بالای خط فقر

همچون نبود تشکل کارگری - تلاش می کنند تا نیروی کار کارگران را که در مناسبات سرمایه داری به کالا تبدیل شده است هر چه ارزان تر بخرند.

برای نمونه در ایران این مساله را به خوبی و بسیار آشکار می توان دید و درک کرد که چرا در طول این سال ها بهای نیروی کار کارگران تا این حد کاهش یافته است. بیکاری و عدم امنیت شغلی، قراردادی بودن بخش بسیار بزرگ کارگران عاملی است که کارگران را از یک سو به رقابت با یکدیگر برای بدست آوردن کار و ادار کرده و از سوی دیگر دست کارفرما را برای تحمیل خواست های خود به کارگران باز می کند. نداشتن تشکل یک معضل بسیار بزرگ دیگر کارگران برای چانه زنی با سرمایه داران و مبارزه برای افزایش دستمزد است. در تمام این موارد نیز نقش دولت را در تحکیم مواضع سرمایه داران شاهد هستیم. قراردادی کردن کارگران یک نمونه است. سرکوب معبود تشکل های مستقل کارگری و ممانعت از گسترش آن ها یک نمونه دیگر، آن هم در حالی است که کارفرمایان از همه گونه تشکل برخوردار بوده و مهمتر از همه دولت و تمامی ارگان های سرکوب آن نیز در خدمت این طبقه است.

بنابراین مبارزه برای افزایش دستمزد مبارزه ای است که در یک طرف آن طبقه کارگر قرار دارد و در برابر آن طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن. این واقعیتی است که تا زمانی که طبقه کارگر به یک مبارزه جانانه و متحد برای افزایش دستمزد دست نزنند و اجازه دهد طبقه حاکم سرمایه دار در ارگان هایی همچون شورای عالی کار دستمزدها را تعیین کند، به هدف خود در رابطه با افزایش دستمزد نخواهد رسید.

کارگران می باید برای افزایش دستمزد خود مبارزه کنند، اما تا وقتی که یک جنبش کارگری برای افزایش دستمزد شکل نگیرد و اتحاد کارگران با سایر زحمتکشان حول خواست زندگی بالای خط فقر صورت عملی به خود نگیرد، طبقه حاکم سرمایه دار خواهد توانست همچنان مانع افزایش دستمزدها شود و فقری شدیدتر و دردناکتر به طبقه کارگر تحمیل کند.

عالی کار) به نرخ واقعی دلار چیزی حدود ۱۱۰ دلار در ماه است تأییدی بر مدعای ماست که نیروی کار ایران در اثر سیاست های حکومت اسلامی که شورای عالی کار یکی از ارگان های آن است، به یکی از ارزانترین نیروهای کار جهان درآمده است. لازم به توضیح است که حداقل دستمزد کارگری در کشورهای پیشرفته تر سرمایه داری حدود ۳ برابر مبلغی است که نماینده مجلس بیان کرده است، آن هم در حالی که حتا در این کشورها نیز بهای بسیاری از اقلام خوراکی با ایران برابری می کند.

حال این سوال اساسی مطرح می شود که با توجه به تمام مطالبی که در بالا آمد، طبقه کارگر ایران چه راه حلی برای افزایش دستمزدها دارد و چه می تواند و یا باید بکند؟! واقعتاً این است که مبارزه برای افزایش دستمزد، مبارزه ای است که از آغاز پیدایش نظام سرمایه داری وجود داشته و همچنان ادامه دارد. افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار، تامین اجتماعی از جمله مهم ترین خواست هایی بودند که در طول حیات نظام سرمایه داری مبارزه اقتصادی و حتا سیاسی کارگران بر حول و محور آن ها شکل گرفته است. دستمزد سهمی است که کارگران از ارزش نوینی که در کالای جدید تبلور یافته و محصول کار است، با فروش نیروی کار خود بدست می آورند. در جامعه سرمایه داری در ظاهر کارگران در حالتی برابر با سرمایه دار و آزادانه نیروی کار خود را به فروش می رسانند، اما اگر پوسته ای این مناسبات را شکافته و به هسته آن نزدیک گردیم متوجه می شویم که کارگران برای ادامه حیات راه دیگری جز فروش نیروی کار خود ندارند. حال هر قدر سهم دستمزد از ارزش جدیدی که نیروی کار آفریده است کمتر باشد به این معناست که سهم (سود) سرمایه داران بیشتر می شود. این یک واقعیت اساسی و مهم نظام سرمایه داری است. بنابراین مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد مبارزه برای کسب سهمی بیشتر از ارزش آفریده شده توسط نیروی کار است.

اما در آن سو سرمایه داران نیز با بهره گیری از دستگاه دولتی، بیکاری کارگران و عوامل دیگر

و مواد ضد عفونی کننده بطور رایگان در اختیار کارگران و خانواده های کارگری قرار بگیرد.

ارتجاع حاکم که بی کفایتی، بی مسئولیتی و ندانم کاری خود را نخست سعی کرد با مهملاتی از قبیل "حمله بیولوژیکی" و "بیوتروریستی" از طرف "دشمنان" توجیه کند، اکنون با طرح این موضوع که بیماری کرونا در آغاز با آنفلانزا اشتباه گرفته شده، سعی می کند بی تدبیری ها و جنایات خود را توجیه کند و تمام تقصیر ها را به گردن کادر پزشکی بیاندازد. اما این حرف ها و ترفند ها، نظر کارگران و توده های زحمتکش مردمی را که به ماهیت کثیف

رژیم فریبکار حاکم و جنایات بزرگ آن پی برده اند تغییر نمی دهد جز آن که اراده آن ها را برای تعیین تکلیف قطعی با این رژیم محکم تر سازد.

هیچ چیز طبیعی تر و بدیهی تر و قابل پذیرش تر از این نیست که کارگران برای سلامت و حفظ جان خویش دست به مبارزه و اعتصاب بزنند. اعتصاب برای حفظ سلامتی، اعتصاب برای حق حیات و زندگی! این است یگانه راه کار مبارزاتی مؤثر طبقه کارگر در لحظه کنونی علیه کرونا!

باسازماندهی اعتصاب، علیه وضع موجود بهپا خیزیم و از حق حیات خویش دفاع کنیم!

## زنان کارگر، زنانی که اینروزها تنهاتر از همیشه اند



آلوده نظیر تهران و قم و مشهد و رشت وجود ندارد. هنوز هم مسئولان حکومتی نظیر علیرضا زالی، مسئول مدیریت بیماری کرونا در تهران بر این باورند که "قرنطینه شهر نه مبنای علمی دارد و نه مناسب است". هنوز هم حسن روحانی در روز یکشنبه ۲۴ اسفند طی سخنانی شرم آور اعلام می‌کند: "چیزی به نام قرنطینه نداریم، نه امروز و نه در ایام عید و همه در کسب و کار و فعالیت خود آزاد هستند".

حسن روحانی در شرایطی از عدم قرنطینه شدن شهرها دفاع کرده است که شیوع ویروس کرونا به خصوص در تهران به شدت شتاب گرفته و منحنی آمار مبتلایان و کشته شدگان در تهران و سراسر ایران به سرعت رو به افزایش است. آخرین آمار رسمی دولت در روز یکشنبه از تعداد ۱۳ هزار ۹۳۶ نفر ابتلا به ویروس و کشته شدن ۷۲۴ نفر خبر داده است. در حالی که آمارهای غیر دولتی از چند برابر بودن آمارهای رسمی خبر می‌دهند. سیر صعودی آمار مبتلایان و کشته شدگان سبب شده تا اختلاف نظر های درونی حاکمیت در مورد عدم قرنطینه کردن شهرها نیز افزایش یابد. اقدامی که از همان روزهای نخست شیوع ویروس کرونا در قم می‌بایست این شهر را بطور کامل قرنطینه می‌کردند، اما نکردند.

در صفحه ۹

خانه اشتغال دارند، دست کم بیش از ۲ میلیون زن کارگر نیز در اشتغال غیر رسمی بخش های صنعت و خدمات وجود دارند. زنان کارگری که بدون برخورداری از کمترین حق و حقوق بیمه ای و چتر حمایتی مشغول به کار هستند. زنانی که به طور واقعی و بر اساس آمارهای غیر رسمی بیش از ۳ میلیون نفر هستند. ۳ میلیون زن کارگری که بر اساس داده های مرکز پژوهش های عالی تامین اجتماعی، از خدمات درمانی و دفترچه های درمانی محرومند، از حق بازنشستگی و بیمه بیکاری برخوردار نیستند، و در نهایت از همه قوانین حمایتی و قوانین ایمنی کار نیز محروم و بی بهره اند.

حال این جمعیت ۵ تا ۶ میلیونی زنان کارگر و شاغل که بخشی از آنان خویشفرما هستند و گروهی دیگر در بخش صنعت و خدمات کشور کار می‌کنند، جملگی بدون اینکه از کمترین حق بیمه بیکاری و درمانی برخوردار باشند، این روزها در تب و تاب شیوع بیماری کرونا، وادار به خانه نشینی شده اند. زنانی که معاش و هزینه های کمر شکن زندگی شان، فقط و فقط با همان درآمد محدود اشتغال روزانه شان تامین می‌شود.

زنانی که به گفته سمیه گلپور، رئیس کمیته بانوان کانون عالی انجمن صنفی کارگری، بدون بیمه در کارگاه های کوچک کار می‌کنند، از چک های سفید امضا و سفته هایی که کارفرمایان بدون رضایت خاطر از آنها گرفته اند، رنج می‌برند و از استثمار و بهره کشی شدید کارفرمایان مستاصل هستند. زنان کارگری که فاقد هرگونه حمایت های دولتی هستند؛ حمایت هایی که بتواند از جان و سلامت و حقوق شهروندی آنها محافظت کند. خصوصا، زنان دستفروش فضاهای عمومی و متروها که در شرایط عادی اغلب از دستگیری های گاه و بیگاه و تنگتر شدن روز به روز فضای اشتغال و کار در رنج بوده اند، تا چه رسد به شرایط کنونی که باشیوع بیماری کرونا، درد و رنج روزهای کاری زندگی شان با خانه نشینی و عدم تامین معاش نیز وخامت بارتر شده است.

در وضعیتی این چنین بحرانی که گسترش ویروس کرونا جامعه را فلج کرده و تمامی شهرهای ایران به ویروس کرونا آلوده شده اند، هنوز هم در جمهوری اسلامی کمترین اراده ای برای قرنطینه کردن شهرهای کاملاً

خیمه زده اند و همه ی امکانات پزشکی، بهداشتی و درمانی کشور را به طور کامل در انحصار خود و نزدیکان شان گرفته اند، طبیعتاً در مواجهه با ابتلا به این ویروس و خطر مرگ ناشی از آن در امنیت بسیار بالاتری قرار دارند. در عوض، عموم توده های زحمتکش مردم ایران، خاصه زنان کارگر که بدون برخورداری از کمترین امکانات مالی، پزشکی و درمانی اینروزها به حال خود رها شده اند، همواره با شدت بیشتری در معرض مرگ و میر و تبعات ناشی از ابتلا به ویروس کرونا قرار دارند.

در بحران مرگبار ناشی از شیوع بیماری کرونا در ایران، از میان ده ها میلیون نفری که اکنون با تبعات فاجعه بار ویروس کرونا دست به گریبانند، کارگران و در جمع آنان، زنان کارگر از جمله کسانی هستند که تنهاتر از هر زمان دیگری اینروزها به حال خود رها شده اند. میلیون ها تن از زنانی که در کارگاه های کوچک کار می‌کنند، زنانی که سرپرست خانوار هستند، زنانی که در فضای اقتصاد غیر رسمی یا اقتصاد زیر زمینی یا زیر پل ها، خارج از چتر قوانین اشتغال و حمایتی دولت مشغول به کار هستند، با بیشترین تبعات ویروس کرونا مواجه اند. زنانی همانند دستفروشان، فروشندگان خرده پا که خویشفرما هستند و برای خودشان کار می‌کنند، زنانی که در منزل، کارهای مختلفی انجام می‌دهند از جمله محصولات خانگی و غذایی نظیر ترشی و مربا تولید میکنند، زنانی که برای بقاء و امرار معاش، محصولات و خدمات خودساخته خانگی را به تنهایی به بازار عرضه می‌کنند، اکنون بدون کمترین درآمدی به حال خود رها شده اند.

علاوه بر این بخش از زنان، زنان کارگر دیگری هم هستند که در بخش های عمومی اقتصاد کشور، بدون داشتن حق بیمه بیکاری، بدون برخورداری از حمایت های اجتماعی و بدون داشتن قرارداد مشمول قانون کار فعالیت می‌کنند. همانند زنانی که بر اساس آمار رسمی ارائه شده توسط علی ربیعی (وزیر وقت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در اردیبهشت ۹۶، بیش از ۲۵ درصد از جمعیت ۱۰ میلیونی شاغلان غیر رسمی کشور را تشکیل می‌دهند. یعنی جدای از جمعیت سه میلیونی زنان سرپرست خانوار و زنانی که به کارهای شخصی در

**ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد**



## زنان کارگر، زنانی که اینروزها تنهاتر از همیشه اند



دست به اعتراض جمعی بزنند و نه تشکلی دارند که برای برون رفت از وضعیت موجود اعتصاب کنند. در چنین وضعیتی نابسامان، که آنان تنهاتر از همیشه هستند، وظیفه هرنیروی انقلابی ست که از آن ها حمایت کند، صدای اعتراض بی حقوقی و روزمرگی آنان را پژواک دهد.

جمهوری اسلامی طی ۴۱ سال به دفعات نشان داده است که برای جان و زندگی و تامین معاش کارگران و زحمتکشانش کمترین ارزشی قائل نیست. لذا جا دارد که طبقه کارگر ایران با استفاده از تمام ظرفیت های مبارزاتی خود، از اعتراض و اعتصاب گرفته تا دیگر اشکال مبارزاتی رادیکال، پیگیرانه به دفاع از منافع طبقاتی خود، خاصه منافع زنان و مردان کارگر و شاغلی که اینروزها به علت شیوع ویروس کرونا در تنهایی خود خانه نشین شده اند، برخیزد.

این روزها پا به پای ویروس کرونا، بخش هایی از جامعه از جمله زنان کارگر و سرپرست خانوار را تهدید می کند. رعایت دستورالعمل خانه نشینی دولت، دست کم برای آن دسته از زنانی که با فرا رسیدن شب عید نه حقوق ماهانه منظم دارند و نه عیدی و پاداش و نه کمک معیشتی دریافت می کنند، عملاً دستور العملی فاقد اجرا است. چرا که آن دسته از زنان کارگری که اکثر قریب به اتفاق آنان سرپرست خانوار هستند و چرخه زندگی شان نیز به همان درآمد روزمزدی شان گره خورده است، اگر یک روز کار نکنند، برای آن روز درآمدی هم نخواهند داشت. نبود درآمد روزانه هم، یعنی در گرسنگی ماندن و از پا افتادن این بخش از زنان جامعه. پس آنان ناچارند خطر کنند از خانه بیرون بزنند، خطر ابتلاء به بیماری کرونا را بپذیرند و دستورالعمل های این چنینی دولت را هم به هیچ بگیرند، تا دست کم در شب عید لقمه نانی بر سر سفره خود داشته باشند.

تنهایی زنان سرپرست خانوار و زنان کارگری که اینروزها در تب تند ویروس کرونا، تنهاتر از هر زمانی دیگری شده اند، دردناکتر از دیگر لایه های توده های مردم ایران است. این بخش از زنان کارگر، نه به شکل فیزیکی در کنار هم کار می کنند که

چرا که با اعلام قرنطینه شدن هر شهری، طبق پروتکل بهداشت جهانی، دولت ملزم بود تا تمام هزینه ها و معاش زندگی مردمی را که قرنطینه شده اند، پرداخت کند. این همان نکته کلیدی است که باعث شده تا به امروز دولت جمهوری اسلامی از قرنطینه کردن شهرها امتناع کند.

از این رو، هیئت حاکمه ایران بجای قرنطینه کردن شهرها، تنها به دستورالعمل خانه نشینی مردم بسنده کرده است؛ تا اولاً حرفی زده باشد و در ثانی با پرهیز از بکارگیری لفظ قرنطینه، عملاً دولت و نظام را از التزام به پرداخت تمامی مزد و حقوق کارگران و شاغلان خانه نشین شده در امان نگه دارد. نتیجه انجام این ترفند و اقدامات ضد مردمی جمهوری اسلامی آن شده است، که اکنون کل کشور به ویروس کرونا آلوده گشته، صدها نفر جان خود را از دست داده، ده ها هزار مبتلا شده اند و میلیون ها نفر دیگر هم در معرض ابتلا به بیماری و خطر مرگ قرار دارند.

درخواست خانه نشینی، آنهم بدون اینکه دولت کمترین اقدامی در جهت تامین معاش روزانه این جمعیت چند میلیونی زنان کارگر و سرپرست خانوار کرده باشد، عملاً به معنای خودکشی و گرفتار کردن آنان در چنگال ویروس گرسنگی است. ویروسی که

# ۲۵

## اسفند،

## روز

## جانفشانان

## فدائی

## گرامی باد!

هواداران  
 سازمان  
 فدائیان (اقلیت)

## زنان کارگر، زنانی که اینروزها تنهاتر از همیشه اند

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سوئیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان  
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 861 March 2020

ایستاده اند. ایستادگی که به دلیل عدم امکانات لازم پزشکی، گستردگی و همگانی شدن شیوع این بیماری، چندان هم موثر و راهگشا نبوده است.

با وجود اینکه کرونا بدون توجه به پایگاه طبقاتی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد به یکسان به سر وقت همگان می‌رود، اما اینگونه هم نیست که تبعات مرگبار آن برای تمام طبقات و لایه‌های جامعه یک سان باشد. مسئولان رژیم، نهادهای دولتی و مجموعه ارگان‌های حکومتی، که طی دهه‌های متمادی بر جان و مال توده‌های مردم ایران

درصفا ۸

می‌شد، دیگر خبری نیست. نه خامنه‌ای در قبال این فاجعه همگانی که خود از مسببین اصلی شیوع آن است، مسئولیت قبول می‌کند و نه دولت جمهوری اسلامی برای خدمات دهی به مردم گرفتار توجهی دارد و نه امکاناتی برای در امان ماندن توده‌های زحمتکش مردم ایران از ابتلا به ویروس کرونا فراهم شده است. جامعه یکسره به حال خود رها شده و همگان بدون پشتوانه‌های حکومتی و بی بهره از هرگونه امکانات دولتی، تنها به همت پزشکان و نیروی ابتکار و خلاقیت و امکانات شخصی خود در مواجهه با حملات مرگبار این ویروس



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:  
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی